

موضوع: تحلیل صفت های قرآن با استفاده از آیات قرآن

خاتون همت پور*

چکیده

قرآن دارای صفات و اسمایی است که درک صفات قرآن، از بهترین راه های بهره گیری عمیق و درک حقایق آن می باشد، چون هدف نزول قرآن را به مخاطب می فهماند، تا با درک درست هدف غایی آن به سوی حقیقت گام بردارد. در این مقاله صفات مد نظر است و تحلیل اسماء مورد بحث نیست. این مقاله با روش کتابخانه ای با استناد به منابع معتبر و فیش برداری و خلاصه نویسی از تفاسیر معتبر قرآنی با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع می پردازد. براساس تحلیل مطالب می توان گفت که قرآن دارای اوصافی است که تجلی وجودی قرآن است صفاتی «ریب، حق، نور قیم، رحمت، بینات، شفا و...» که باطن قرآن را ترسیم می کند. قرآن کتاب هدایتگر، جامع که تبیان و رحمت برای همه چیز است نور دارد و شفا می دهد شفایش مشابه و تاریخ مصرف ندارد و کهنه نمی شود.

واژگان کلیدی: آیات، تحلیل، صفت ها، قرآن.

*سطح ۲، حوزه علمیه نرجسیه (سلام الله علیها) hemat.poor.khaton1403@gmail.com

۱- مقدمه

قرآن دارای صفات و اسمایی است که اکثر پژوهشگران صفات و اسماء را با هم بکار می‌بردند. از آنجایی عناوین و اسماء دو دسته‌اند. دسته اول از عناوین، معرف قرآن، خصوصیات و اهداف آن نیستند؛ بلکه تنها عنوان مشیر یا بیانگر معنای جنسی هستند؛ مانند کتاب و کتب، صحف، حدیث، احسن‌الحديث، قول و قرآن؛ دسته دوم عناوینی است که بر از سوی خدا بودن قرآن تأکید دارند و نزول آن را از جانب خدا می‌دانند؛ مانند کلام الله و کلمات الله، تنزیل و منزل، آیات و وحی؛^۱ که در این پژوهش مورد توجه نیستند؛ بلکه صفاتی مانند «کتاب هدایت» (سوره بقره، آیه‌های ۱ و ۶)، فرقان (سوره فرقان، آیه ۱)، نور (سوره مائده، آیه ۱۴)، قیّم (سوره کهف، آیه ۱). ریب (شک) ناپذیر (سوره بقره، آیه ۱)، شفاء (سوره توبه، آیه ۳۳)، رحمت (سوره انعام، آیه ۱۵۴)، حکیم (سوره لقمان، آیه ۳)، حق (سوره یونس، آیه ۱۰۸)، بینات (سوره بقره، آیه ۱۸)، تبیان (سوره نحل، آیه ۸۹)، بصائر (سوره جاثیه، آیه ۲۰۶)، مبین (سوره نحل، آیه ۲)، مبشّر و منذر (سوره کهف، آیه ۲)، ذکر (سوره زمر، آیه ۴۰) که دارای معانی باطنی هستند مورد توجه است.

خداوند در بعضی آیات قرآن را با نور، شفا، حق و.. معرفی کرده است این فقط یک صفت نیست بلکه حقیقت یاطنی قرآن است که قرآن نور دارد شفا می‌دهد در این پژوهش به تحلیل این صفات پرداخته می‌شود تا تمایز قرآن با بقیه کتاب‌ها آشکار گردد

با تحلیل پیشینه موضوع مقالات، هرچند مقاله ای با عنوان «تحلیل معنایی اوصاف الهی در جزءهای ۲۸ تا ۳۰ قرآن کریم با تکیه بر مدل معنایی لیبر و نقد این نظریه» نوشته سپیده عبدالکریمی و ایمانه صیاد وجود دارد اما مقاله و پایان نامه ای با این موضوع پیدا نگردید که به طور جامع صفاتی که دارای معانی باطنی هستند را در آیات قرآن بررسی کند که ارزش این مقاله را بیشتر نشان می‌دهد. در این مقاله به این سوال پاسخ داده می‌شود صفت های قرآن با استفاده از آیات قرآن چگونه تحلیل می‌شوند؟

۱ - مصباح یزدی، قرآن شناسی، ج اول، صص ۳۷-۴۰

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- معنای لغوی «صفت»

واژه ی «صفت» از ریشه ی «وصف» است. و مقصود از آن حالتی است که در شیء یا شخص وجود دارد.^۱ این کلمه به معنی که آن را زیور کرد و آراست. گفته شده است که «وصف» مصدر است و «صفت» [اسم مصدر] به معنای زیور می باشد.^۲

۲-۲- تعریف اصطلاحی صفت

از منظر طباطبایی - صفت دلالت می کند بر معنایی که در ذات وجود دارد، خواه عین ذات باشد یا غیر آن، ولی اسم دلالت می کند بر ذات که همراه صفت لحاظ شده است.^۳ صفت نشانه و علامتی است که حالتی خاص از موصوف را بیان می کند «صفت» را امری است که قائم به دیگری (ذات یا موصوف) بوده، بر برخی از احوالات ذات، دلالت دارد.^۴

۲-۳- معنای لغوی «آیات»

کلمه ی «آیه» از ریشه ی «أَیَّ» مشتق شده است؛ جمع این کلمه «آی»، «آیاء» و «آیات» می باشد.^۵ مفهوم متفاوتی مثل «تعلل کردن»، «توقع داشتن به کاری»، «مجموعه از چیزها»، «نشانه و علامت» دارد.^۶ اگر از ریشه «أوی» یا «یأی» باشد، باز هم معنی آن ها به معنای «قصد کردن» و «توجه داشتن» است.^۷ امکان دارد ریشه ی «آیه» از «تأیی» باشد که در این صورت معنای آن «منتظر ماندن»، «درنگ»، «استواری»، «دقت» است.

«وقف» بر روی آیات قرآن که هنگام قرائت و تجوید صورت می گیرد، برگرفته از درنگ کردن و دقت ژرف در معانی آیات است و دلیلی بر دقت طبع در آیات الهی بر فهم بیشتر است.^۸ «آیه» در

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل واژه

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۳۱۵

۳- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۳۵۲.

۴- خاتمی، فرهنگ علم کلام، ص ۱۱۵

۵- جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیه ج ۶، ص ۲۲۷۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۶۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۵۶.

۶- همان، تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۶، ص ۲۲۷۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۶۸؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۰۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۵۶.

۷- مصطفوی، التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، ذیل واژه ی آیه.

۸- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ذیل واژه ی «أی»؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ذیل واژه ی «أی».

قرآن در مفهوم «نشانه»، «معجزه»، «دلیل» و «برهان» به کار رفته که معنای حقیقی آن «علامت و نشانه» است.^۱

۲-۴- تعریف اصطلاحی «آیات»

معنای اصطلاحی «آیه» این است: کلمه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌هایی که سوره را تشکیل می‌دهند و مقدار آن‌ها در هر سوره‌ای مشخص شده است، هر کدام از این کلمه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌ها، یک نشانه و علامت است که خداوند در هر یک، معارف اعتقادی، اخلاقی و برنامه‌ی زندگی انسان‌ها را، قرار داده است. به بیان دیگر به هر قسمت از عبارات قرآن که با علامت‌های به خصوصی جدا شده‌اند، «آیه» می‌گویند.^۲

در اصطلاح، آیه به معنای بخشی از قرآن می‌باشد که در سوره‌ای قرار گرفته؛ ابتدا و انتها دارد، از چند کلمه یا جمله که بعضی از آن‌ها در تقدیر می‌باشند، به وجود آمده است.^۳

۳- صفات قرآن در تفاسیر قرآن

۳-۱- قرآن نور است

خدای سبحان در برخی از آیات کریمه، قرآن را نور و کتاب روشن معرفی کرده است؛ کتاب نوری که انسان را به وسیله آن از ظلمت‌ها بیرون می‌آورد و به سوی نور خود هدایت می‌کند؛^۴ و در آیه کریمه دیگری می‌فرماید^۵ خاصیت نور آن است که در ذات و گوهر خود ظاهر و روشن باشد و از نظر اثر بیرونی هم، مظهر و روشن کننده غیرش باشد. قرآن کریم نوری است که انسان را از ظلمات طبیعت و انیت بیرون می‌آورد و به سوی نور معرفت پروردگارش هدایت می‌کند.^۶ هدایت یعنی خارج نمودن انسان از ظلمات و نورانی نمودن او بدان گونه که در همین دنیا بهشت و جهنم را ببیند.^۷ دیدن آتش جهنم در این دنیا ممکن است و انسان اگر به هدایت الهی از ظلمات خارج شود «جهنم» و نیز «بهشت» را می‌بیند؛ همان گونه که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اوصاف متقیان و هدایت یافتگان این اوصاف را بکار می‌برد.^۸

۱ - قرشی قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲ - طباطبایی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۵۹.

۳ - سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۴۵.

۴ - مائده: ۱۵ و ۱۶ «قد جاءکم من الله نورٌ و کتاب مبین یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام

و یخرجهم من الظلمات إلى النور بإذنه»

۵ - سباء: ۱۷ «وأنزلنا إلیکم نوراً مبیناً»

۶ - ابراهیم: ۱ «الر کتاب أنزلناه إلیک لتخرج الناس من الظلمات إلى النور»

۷ - تکوین: ۶ «لنرونّ الجحیم»

۸ - جواد آملی، قرآن در قرآن: ۱۸۳ «فهم والجنة کمن قد رأها فهم فیها»

۳-۲- قرآن هدایتگر و راهنماست

انسان برای رسیدن به کمال شایسته اش باید نخست خود را بشناسد، هدف و راه رسیدن به آن را بشناسد و سپس راهی آن هدف از راه مستقیم شود؛ همه کتب آسمانی و رسولان الهی برای تحقق این هدف تلاش نموده اند. کتاب آسمانی، کتاب هدایت انسان است و قرآن کریم که آخرین کتاب و پیام الهی است، کاملترین کتاب هدایت و عالیترین دستور به سوی خداست.^۱ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خاتم پیامبران و کاملترین خلیفه الهی است که به اوج قلّه رفیع^۲ رسید و قرآن را از مقام «لدن» و لقای حقّ برای انسان به ارمغان آورد. خدای سبحان، قرآن کریم را در آیات فراوانی، کتاب هدایت معرفی کرده است.^۳ صفت هدایت کننده و راهنما در قرآن هدایتی جامع است به سوی حق و راه راست برای کسانی که پرهیزکارانند از شرک و معاصی و مشتیهات نفسانی به دورند.^۴

۳-۳- شکی در قرآن نیست

یکی از صفات قرآن «ریب» است یعنی شکی در قرآن نیست. قرآن نه تنها این صفت را با قاطعیت مطرح می کند بلکه آن را به تحدی دعوت می کند و اگر در آنچه ما بر بنده خود [محمد (صلی الله علیه و آله)] نازل کرده ایم، شک دارید [که وحی الهی است یا ساخته بشر] پس سوره ای مانند آن رابیاورید.^۵ صفت «ریب» شک نمودن در موردی است که جای شک در آن نیست مانند شکّ وسواسی و شکاک، و چنین شکی بوجهی همان انکار و نپذیرفتن مطلبی است که مسلم و یقینی باشد^۶ بی شک کسانی که در قرآن شک کردند از روی لجاجت است یا ظلم و ناتوانی آن ها به اثبات رسیده است.

۳-۴- قرآن رحمت است

قرآن با هدایت انسان ها و در اختیار قرار دادن بینش های لازم برای رسیدن به سعادت واقعی، رحمتی عام برای همه انسان ها فراهم می سازد. همچنین، برای اصناف ویژه ای از انسان ها که به این بینش ها و راهنمایی ها تن می دهند، رحمت خاص الهی را به ارمغان می آورد. قرآن کتاب رحمت برای مسلمانان^۷، کتاب رحمت برای محسنان^۸، رحمت برای اهل یقین و اهل ایمان است.

۲-۱۳- شفای قلبهاست

خدای متعال قرآن را به عنوان شفای آنچه در دلها و افکار است، معرفی می فرماید^۱ اگر قرآن ذاتاً شفا شد، هرگز هیچ مرضی در آن راه نمی یابد و هرگاه شخصی به قرآن مراجعه نماید بدون شفا و درمان باز نمی گردد. بیمار اگر بخواهد درمان شود، با شفا بهبودی می یابد و دارو ذاتاً شفای مریض نیست؛ زیرا بسیار می شود که بیمار دارویی را مصرف می کند و مریضی او شفا نمی یابد. خدای سبحان درباره قرآن نمی فرماید که قرآن، داروست بلکه می گوید او شفاست و اثر شفابخش آن قطعی است و هر کس به محضر قرآن بیاید و آن را بفهمد و بپذیرد و عمل کند، به طور قطع مرضهای درونیش از بین می رود مگر آنکه خود مریض به قرآن مراجعه نکند و یا مراجعه اش از روی میل نباشد و یا پس از مراجعه به قرآن دستور و نسخه شفابخش آن را نپذیرد و یا عمل نکند و یا عملش نادرست باشد و.... شفای قرآن با شفای داروهای مادی تفاوت‌های زیادی دارد. داروی قرآن، ضرری را به دنبال ندارد، کهنه نمی‌شود و تاریخ مصرف ندارد. شفا یافته‌ی قرآن عامل شفای دیگران می‌شود. در نسخه‌ی شفای قرآن اشتباه نیست، همیشه و در اختیار همه است، طبیب این دارو، هم ما را می‌شناسد، هم دوستان دارد و هم نتیجه‌ی نسخه‌اش ابدی است، نسخه و داروی او هم مشابه ندارد.^۲

۳-۱۴- قرآن تبیان است

یکی دیگر از صفات قرآن تبیان است که جامعیت آن در باره هر چیزی را بیان می کند خداوند در قرآن می فرماید «و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است»^۳ جامعیت قرآن از جمله اصطلاحاتی است که تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برخی گفته‌اند: «جامعیت، یعنی وجود مجموعه رهنمودها و دستوراتی که پاسخگوی نیازهای انسان در راه دست یابی به سعادت و خوشبختی در هر عصری باشد که اگر آن گفته‌ها و دستورات و شرح مقررات نباشد، انسان به سعادت و تکامل نمی‌رسد»^۴ (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۸). امام صادق علیه السلام می فرماید: «کتاب خدا بیانگر خبر قبل از شما و خبر بعد از شما و تفصیل آنچه میان شماست و ما آن را می دانیم. ضمیر «ما» در این حدیث بیانگر حصر می

۱ - اسراء: ۸۲ «ونزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين»

۲ - قرائتی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۱۱۰

۳ - نحل: ۸۹ «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ»

۴ - ایازی، جامعیت قرآن، ص ۱۸.

باشد.»^۱ از آیه به خوبی می توان استدلال کرد که در قرآن، بیان همه چیز هست، ولی با توجه به این نکته که قرآن یک کتاب تربیت و انسان سازی است که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه های معنوی و مادی نازل شده است روشن می شود که منظور از همه چیز، تمام اموری است که برای پیمودن این راه لازم است، نه اینکه قرآن یک دائرة المعارف بزرگ است که تمام جزئیات علوم ریاضی ، جغرافیایی، شیمی، فیزیک، گیاه شناسی و مانند آن در آن آمده است، هر چند قرآن یک دعوت کلی به کسب همه علوم و دانش ها کرده که تمام دانش های یاد شده و غیر آن در این دعوت کلی جمع است، به علاوه گاهگاهی به تناسب بحث های توحیدی و تربیتی، پرده از روی قسمت های حساسی از علوم و دانش ها برداشته است، ولی با این حال آنچه قرآن به خاطر آن نازل شده و هدف اصلی و نهایی قرآن را تشکیل می دهد، همان مساله انسان سازی است، و در این زمینه چیزی را فروگذار نکرده است.

۱ - کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۱.

۴- نتیجه گیری

قرآن دارای صفات و اسمایی است که اکثر پژوهشگران صفات و اسماء را با هم بکار می بردند. از آنجایی عناوین واسماء دو دسته‌اند. دسته اول از عناوین، معرف قرآن، خصوصیات و اهداف آن نیستند؛ بلکه تنها عنوان مشیر یا بیانگر معنای جنسی هستند. اما اوصاف باطنی قرآن که در حقیقت تجلی برتری قرآن و تمایز آن بر بقیه کتب هستند و وحیانی بودن آن را ترسیم می کنند. خداوند در بعضی آیات قرآن را با نور، شفا، حق و.. معرفی کرده است این فقط یک صفت نیست بلکه حقیقت یاطنی قرآن است که قرآن نور دارد شفا می دهد. با تحلیل صفات درمی یابیم که قرآن کریم نوری است که انسان را از ظلمات طبیعت و انیت بیرون می آورد و به سوی نور معرفت پروردگارش هدایت می کند. اگر انسان قرآن را درک کند و به وسیله آن هدایت شود دیدن آتش جهنم در این دنیاممکن است و انسان اگر به هدایت الهی از ظلمات خارج شود «جهنم» و نیز «بهشت» را می بیند. صفت هدایت کننده و راهنما در قرآن هدایتی جامع است به سوی حق و راه راست برای کسانی که پرهیزکارانند از شرک و معاصی و مشتیهای نفسانی به دورند. صفت «ریب» شک نمودن در موردی است که جای شک در آن نیست مانند شک و سواسی و شکاک، و چنین شکی بوجهی همان انکار و نپذیرفتن مطلبی است که مسلم و یقینی باشد. قرآن کتاب رحمت برای مسلمانان، کتاب رحمت برای محسنان، رحمت برای اهل یقین و اهل ایمان است. آنچه از سوی خداوند آمده، (مثل قرآن و تعالیم انبیا) همه حق و از شئون ربوبیت اوست. صفت «مبین» ناظر به آن است که قرآن، کتابی روشن و آشکار است و انسان می‌تواند به آسانی از رهنمودهای آن استفاده کند و به راحتی خود را در مسیر هدایت قرآن قرار دهد در واقع، قرآن با بیان آیات مربوط به ثواب و عقاب، و همچنین ذکر داستان‌های الهی و پیامبران، هم به اهل ایمان و مؤمنان بشارت می‌دهد و هم بدکاران و کافران را از عذاب‌های الهی و عذاب ابدی می‌ترساند. خداوند کتاب را به لفظ «حکیم» توصیف کرده، و این دلالت دارد بر اینکه هیچ لهُو الحدیثی در آن وجود ندارد، بلکه نقطه ضعف و درزی ندارد که سخن باطل و لهُو الحدیث بخواهد آن را پر کند، قرآن کریم از این نظر «بصائر» نامیده شده است که به انسان توانایی درک حقایق عالم را ارزانی داشته است. قرآن بینات است که هم دلایل عقلی را شامل می‌شود و هم آنچه از طریق وحی یا معجزات برای مردم تبیین شده است. قرآن کریم بر سایر کتب آسمانی برتری دارد و آنها را تصدیق و محافظت می‌کند و باطل را از آنها دور می‌سازد. قرآن از کتاب‌های آسمانی دیگر نیز به دلیل آن که همه آنها جدا کننده حق و باطل هستند. آری این قرآن تبیان برای همه اموری است که انسان را به کمال واقعی می‌رساند. قرآن شفا دهنده است؛ داروی قرآن، ضرری را به دنبال ندارد، کهنه نمی‌شود و تاریخ مصرف ندارد. مشابه ندارد و ابدی است.

۵- فهرست منابع

۵-۱- فهرست منابع فارسی

* قرآن، ترجمه مکارم شیرازی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مترجم محمد باقر کمره ای، تهران: نشر کتابچی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲. علل الشرایع و الاحکام، مترجم: هدایت الله مسترحمی، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری (مصطفوی)، ۱۳۱۱.
۳. امام علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، غرر الحکم و درر الکلم، گردآورنده، عبدالواحد بن محمد آمدی، قم: دار الکتاب الإسلامی، ۱۳۶۸ ه.ش.
۴. ایازی، سید محمد علی. جامعیت قرآن، رشت: انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰.
۵. تبلیغات اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن، ج ۱، تهران: نشر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۸.
۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، ج ۸، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۸.
۷. قرآن در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۴۰۳.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیه، چاپ اول، مؤسسه الصادق، تهران، ۱۳۸۲ ق
۹. حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش، چاپ اول.
۱۰. خاتمی، احمد، فرهنگ علم کلام (شرح لغات و اصطلاحات و اعلام علم کلام)، تهران: انتشارات صبا، ۱۳۷۰ ه.ش.
۱۱. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۵، قم: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، رجا، ۱۳۶۳.
۱۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۲، تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.

۱۵. طیب اصفهانی، سید عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، چاپ اول، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۶۴ ه. ش.
۱۷. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۱۸. قمی مشهدی، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، قمی مشهدی، قم: دار الغدير، ۱۴۲۳ ق.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **اصول کافی**، ترجمه سید جواد مصطفوی، اول، اسوه، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، **معارف قرآن (قرآن شناسی)**، ج اول، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۸.
۲۱. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دوم، قم، دارالکتب اسلامی ۱۳۶۲ ش.

۵-۲- فهرست منابع عربی

۱. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، ج (۱، ۲، ۵، ۶)، دارالفکر، بیروت، ۴۰۴ ه. ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دارصادر
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**، چاپ اول، ج ۱ دمشق بیروت، انتشارات دارالعلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲
۴. طبرسی، ابن علی الفضل ابن الحسن، **مجمع البیان فی التفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۲ ق.
۵. فخررازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق
۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر صافی**، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق. = ۱۳۷۳.
۷. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق.
۸. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: دارالهدایه، ۱۳۸۵ ق.